

دیگر تنشیل پیدا کرده است. بروز رفای معنا و علت های این تعارض مارا به دورست هادیت خواهد گردید. این تعارض به طور اصولی در تکرش های ویژه این رشد در بازارهای جهان شناسی، نظریه شناخته و اشتغالی و انسان شناسی ظاهر می شود. این تکرش های در محور چهره ای مرکزی دور می زندند که به استلطان «عقل فعال» نایمه دنی شود. بهین عقول که سلسه مراتب آنها نظام عالم را تعین می کنند. در نزد این سینما این سلسه مراتب به سلسه مراتب نفس فکری مصاغف شده که مایه سخنرهای این رشد را فراهم آورده است و از میان رفتن آن اثراتی ناهنجار بر انسان شناسی و مبحث معاد خواهد داشت. چهارون این سینما بر ایران این سخنرهای را به چیزی تکریتند و با حفظ همه بدگاه های این سینما، آن را با مستاوره های دیگر غنی تر گردند. سینما هم عنوی اصنفه ای و سیوالهای شیرازی که هو د شاگرد میرزا ماماد بومند بر شفای این سینما تفسیری تو شتماند که آثاری کاملا شخصی است باری در مقاله حاضر، لعن در بین آن است تاریشهای تأثیر بذیری سنت فلسفی پهلوی این رشد را بینهایاند.

لبنان

لیز شد فیلانوی لست که نایرین بر پیوبدان و مسیحیان و سیلز
بیشتر از نایرین بودت که نایرین بر اسلامان هنسته لست نوع
فلسفه‌ای که وی هدایت شد و به طور گسترده‌ای در مکتبه مثلثی
به مرحله‌گیر راستپولار گرفته بود تا آن جا که به غرب چنان‌
مریوط می‌شود پس از مرگش از شکوفایی بازماندگان قلسه در شرق
که اغلب به نحو کامل بالشکال گسترد و عرفانی ترین فلسفه داد علم
بسیار تلقیازی به رشد خود ادامه داده اما در اصل باشد اخراج کرد که
شواهد چنگنی در علاقه مداوم به گیرن شد تامد های پس از مرگش
و چند نفر

تاریخ نکاران فلسفه اسلامی اعلیٰ مدعی اند با این که این رشاد است
تصویری کرده است بحاج بر غزالی پیروز شده و مظلوم است طالبه فلسفه
در محبیت اسلام را ثبت کرده است اما ابن غزالی بود که پیروز میان
شده چرا که به نظر میرود تکریبیز شد از لیل به جایگاهی تو خود
حریزد متذکران مسلمان بعده برآمدند تهاده قرن بیست بود که
نویسنده گان مسلمان به این هم بیرون زد که اندیشه او علی الخصوص
آنها که به ارتقای میان دین و فلسفه مربوط می شود و بعد شماری
مسلمان در خود توجه است این رشاد در چهل فرهنگی بوده دلیل و
مسیحیان سر بر سر متفاوتی داشته است اگرچه در چهل سی محیط
رشاد دیده قرآن و مهد عصر نسل پاچده است بود

در جهان یهودی بعمل خلق آثار فلسفی، فلسفی شد که از قرن
سیزدهم تا نوزدهم و او تبر من گیره و (ترین دوران) ترجمه‌های
پس از آنروی به عمل آمد. چنانکه آنکه ترجمه آثارش به زبان
عربی سبب محبوبیت پیشتر کل هایش شدمانند فعل الشقل^۱ که
ناشر فلسفی بر جهان یهودی داشت. این مرور یهودی بیان
به داشتن قبلی است و به نظر بخشی از اسناد لاتین یهودی درباره
اورزش‌های مرتب‌بادین و قلصه را نشان داد. اثر تخصصی توینه شد
و به وزیر شروتن بر اسرطوسی سفارمور دیبلاته قرار گرفته اگرچه آغاز
آن از سوی کاسی بود که پیشنهاد سنتا چالخ در فلسفه داشتند وی
به عنوان پهلومن شاخ (آنلر) اسرطون تا آن زمان بزرگترین فیلسوف
زمینه شملری امده بس هر که می خواست بازدید از این اثاثات اسرطونی
شود که در قرون وسطی بسیار شایع بود. بازدید به این‌شد و تفسیرش از
لوسٹونی برداشت.

بیلاری از مکاران پر جسته جهان بهود و جمله
چو صونیدن همانداني کوس کلس و لولول بعنای تپر از آثار این رشد
به عنوان سیر و شاخت از سطوح استفاده کردند، هر چند آنها کملاً
من توفیق نداشتند در موادی دیگر از ارسطور و شارخن فرق نمی‌دانند
چنان (فهم آشل) از سطوح پا به وجهه اختصار و چنیده بودن می‌سین
دو شتری ایان به نظر نیاز به یک شارخ داشت و این روش دنیا به وجود
مجموعه جعل و معمول شروش بر اثر از سطوح انشکال مختلف
سلالی باشند تقدیر باقی دارند منسبرای این کار بود
اگرچه بیلاری از فیل و فلن بر زگ پوچه افکی همراه می‌باشد
نوشتند اما خط است آن هارالن رون شدگر این اندیمه این رشد گرایان دیدگاه
حاسی در برآورده ریاضیات بین زبان فلسفی و دینی باشند و روشنایی این
دیدگاه بر تکریب این رشد بود تقدیر از سطوح، به نظر گزاره هایی را آله
پاید صلح تصور می شد عرضه می کرد گزاره هایی که به نظر برخلاف
یادویت در معنای سنتی آن بوده به عنوان مثلث از سطوح عینی قوی
یه مسدقدمت جهان عرضه کرد اندیمه ایان که به سختی با اموزه
خان از عدم ارتقا شده در سفر پیدا می منطبق است خدای از سطوح
فرار شدن ایان جهان را به حرکت درمی آورد بدون هیچ گرانیشی به آن چه
یه داشت خواجه آدم و در رباب مقاومتی نظر ثبوت و مجزه نهضیری
طبیعت گرايانه ایان می دهد این امر چگونه می تواند با اینه بخانی
شخصی که مخلوقاتش را به خاطر اعمال اشان در دنیا باداش و گیتر

الكتاب المقدس

در این مواجهه، امروزه از فلسفه ایرانی چه پیامی می‌توانیم دریافت کنیم؟ پربرادر نیست اگر بگوییم، با این رشد، «فلسفه مشاری عربی» صریح‌ترین های غربی اسلام- که استاد فرهطه‌وندگی خود را وقت آن کرد- بود- به یاران می‌رسد. در شرق ویه ویزه در ایران، پنهان‌نظری رشد که نسل‌های از قبیلوان، به طور کلی، نام آثار و مشکلات این رشد را نمی‌شناخند همچنان که (در ایران) هر گز چنین به تغیر تواند که دفلسفه از سوی غذائی برای یاران پخشیدن به فلسفه‌منی توکل کنایت کند. اگر در سرزمین‌های شرقی اسلام، این رشد میراث‌خواری نداشت، است لعله در عرض، با مولفیت مکتب این رشد در فیضی‌لایشی ناسده‌هجه دهن اشناهستیم از سوی دیگر مکتب این سینیانی‌لاییس که حاصل تر جمهوری لایش فرامم آمده در شهر طبله در مسده دوازده بود در استقلال خود بدری تپایید؛ این مکتب یاده آن چیزی تبدیل شد که اهالی زیلسون مکتب اگوسنیس سینیانی عشرت «ناصیه» و چادر وزیر مکتب این رشد مدقون شد، در عوض یک مکتب این سینیانی ایرانی یا ست این سینیانی ایرانی وجود دارد که تاکنون از تسلیم به نسل

امتحانی مختلف ورزید چه اکثر مکرموں کردن دنده معلم فرمی است ایشان
خندانلو می خندان بلاح منعی است لکن گزینهایش در آین جایگاه نزد
مستند و نظری به حمله به پارهای مومن علیه بالاتری قفسی هر آنکه
بسته طاری تهدید فاسد مهی است که حقیقت این موضوع است
کو میل گشایی که برای قهم آشک مرد تدبیل شریل گیرد پس
پاره حدوث جهان را زاره ایمان و قدرش والزم عقل بدیارشد و نیز
پیروزت که این دو من توافق با هم سازگار باشند حتی اگر تپهار دید
چشم

آن به خود متعاقبی چندی سه چهارمین بروای این پوتو کرده که حقیقت بهلن شده (توضیح) پایه برای واقع همان حقیقت است که فیله... و دل می نمهد؟ آنها برای هر چیزی داشته باشند که سازگاری این بود حقیقت را بیند گذاشت بلای اخراج این است که مسروق شی برای این کار وجود ندارد ما حقیقت را قسمی را لازم طبق تولیدیمان در استنباط آن به روشنی و تکمیل برآورده ای می نشانیم حقیقت دینی را بایز از طبق تزویشه برداش و برآورش تاییدی در می نلیم که هر این مرد که مربوط به پایه ای است نظر طبق مبتدا شفافی به مامور سند ماده پوچ محتوا برای یک مسئول طلبی و می نلیم که هر دوan هابلده مرست بشنید چون معتقد نلاشند و بپوچان می دهند یکه مطلع حقیقت مشترکه ای را این جا که این مطلع مشترک تقدیره ای توکل به پک حقیقت اشاره داشته باشد حتی اگر نوعه سازگاری ای هارا بایم کاملاً اذیر گذشتم همه این طور که به عذر اعضا من کنیم حق ماریم به دین همومنداد کنیم یعنی معتقد است که افراد عاقل بمعنوان و سبله اصلاح دین ای... متعاده کنیم چرا که همچنان سازگاری رضیدان نمی نویند بسی ای دوچو خود داشته باشد آنها فقط در بروش متعین گفتن در برای امری مشترک که مختار نمایند

دیگر این رشد گرایی پیوسته بود که می‌بود که در ۱۲۷۹ اخیر بربروس مسند شد و موقت‌پس ازی فرمان‌الله و کلامی بود. فیلسوفان اصلی قاتیر گلزار بر این دشمنان سمعون و اورابیمین عزرا بودند مطابق استاد لال بن میمون، سفری از روایت‌های زیر مذکور باعث شد من در کتاب مقدس در واقع تمشیل‌های نبوی هستند و هزارست تفسیر را روشن تعریف کرد و بجهة تدریس به عکس آنها این ایده‌گرایی را که این روایات اغلب به معنای دفعه گله که کنایه‌ای بر حق و راهنمایی دتفیقی است از آن جه روزی داده اند از روی گردانی می‌می‌دون در این نظره از گلزار شد که مطابق آن مجزات شناسایه عمال و رسیدهای طلبی قابل پیش‌گفتار استاد مطابق استاد لال کسی، برای درک مجزات پادشاه زمینه داشت. راکه و بیان موصفیه مجزات در این خصیصه داشت اینکه ملزم بروی در برآورده بود به تکنیکی مشابه لایل‌های می‌گذرد. تبع نظری پلاشید که پیش‌بر در صدد تأثیر گلزار بر او بود و عجیب‌تر این در بحث آن چه آن همار از زمین می‌باشدند که ماحلاً این در چیزی درباران نمی‌دانیم یکی از قلمروهای پسر ایوان پوشیده اینهاد است. این ها قادر به قیام گن کردن چون در به کار گیری علم فلسفی شناسی برای نمیرید به آینه‌های تبحر گاردن. آن های عجوب. طحال تو آینه‌های این درک می‌گذرد. در این مسئله هم بر روازم حلس و وجود ندارد. گویی این ها قوتوین طبیعتی را وقیع دیگران در تیزی می‌دانند. درک می‌گذرد و لازم‌اند آن چهار که به وقوع شوخد پیوست بازگو گشته کسی به طور شخصی می‌گویند که اگر ما در زمان پیش‌مرصده نمی‌باشیم به خاطر تحقیق

پیشگویی جیرت شنی کردم و می‌توانستم حقیقت پیش‌بینی های این هارا بینم، اما چون نمی‌توانم خود را در چنان وضعیت قرار دهم، فقط باشد پذیرم که بشیش طبیعتی برای تحقق پیشگویی و در نتیجه پیش‌سخاوت وجود دارد وی به روش کلام‌لاین شدی، تبلیغ می‌کند. مبارات هیئتی و فلسفی را مورده تائید قرار می‌دهد تکثیفی آنکه جو به این شکارهای می‌کند آن است که هم‌سواری از عبارات دیسی قدر تیست اصل این تووصی پاش‌بلکه مستند تمارا به عمل والرین و چنین مهم دین توکلی ای در هنایت عمل می‌است آن چه دریبله وحی و معجزات مهم است آن است که اهل‌الهایم بخش مردم را کی عمل کردن در مراطع سقیم هستند، بهنی صدق آن چه لامعکی کنندگ در راه دوم اعیان فراموشی گیرد از آن جا که جملات نیوی و علی بسیار منابذ زندگی شکسته، تمدّت که آن هاعمار مطلق هم شکسته.

پهشی از رویکرد کسینی به این مسئله رشته در آرای ابراهیمیان عرضه شد که مطلع از این تحلیل از تحلیل اپدیکی از وظایف فلسفه دیدنی، پارگفت به مسئله اصلی من تنگی مقدم است چرا که تها در آن زمان است که ماقومانی توپریم بدهمهم من درباره جوستی اگر توافق پایه ایم مسئله اصل است بلطف این که توجه همانندگی معنی دهنی و لغتی را خواهیم نهادید ها حالاتی از اشاره ایم داشتم که اما باز از اینجا بر این سازگاری پاسند حس اگر جو سوالاتی از هارا اتفاق آورند باید کسینی بولین بتوان
نشست که اسرار تفسیر پایه به تغییر محدود شود و همین طرز تأثیر مطمئن ترین نتیجه ایجاد می شود و میتوان جذابی می اگذاری از پایه ای اسلو را
پاکی میلند چرا که ما همه از زمان و مکان اصلی و قرع جوادیت بیزیل دور از انتظایم مادیگر دروس و رائی شناسیم که فتو پاسند ها این جاذبه گزراش شود پس تمام از چهاری باقی این ماندی ایستاده فلسفی قابل اذوقی از این روابط است با اشاره ای است که از مارین دین به مامور سند به عین مدل است که از اخلاقی کسینی حتی تفسیر لغتنی می تقدیم

رسانیدن سی و همین متعاقه پیره طبیور که اختر از او به لین شد بسیار بیشتر از اختر ایشان، این میتوان و قطعاً تا قبل قبیل بالا احترام اسلامی اسلامی باشند، بود بالای خستگی اسلامی، غرایی راهه عربی ترجیمه کرد و از اینجا ملت اسلامی کتاب هر زمان اسلامی آفریقی غرایی است، خطاکی که همکلم ترجمه لین از این امریکه ایان هر لر و ای اخیر، بیرون از دادعت عالی در این کتابه نان جا که می تویست با وصیت تمام استبدال های قدری و قوی را و ایانه می گرد که بعد از این کرد هزار زار کند و اسلام ایسراخ شکفت زده می شد اگر چه بود فرق از فرم است شرح تقریب مخالفانش تقریب خود را توقدست شد و بایس نظر غرایی میانجی است که اصول دین علمی و خاصی وجود دارد که باشد تهدیق شود، مانند وجود پلکان و یک پلکان برای اصلی، پلکان پس از مرگ و مابین مشتی که بجهل ملاحظه رفته باز از این خسارت از هم می آورد، بالای در کتب اقتضیم درست آموزه هایش نسبت به این موضوع که این شدیده نهضت طبیعی این متغیره بسیار بدهم و از اندیشی کند، نظر مساعد دارد و درین حال بر این امر اسرار می بروزد که این های ایده متفوپل مردمان عالمی ای باشد که با شخصیت گذشتگان باشند و تقدیر شوند

مومنل عالی با پیره های از پروره ای، ماده ایمکشان خواهند توختست به سطحی از خوشبختی برستد که پرورشان مسلب است و همان طور که انتظامی روز مردمی بزرگی سعادت و خوشبختی غایی پرورشان سلطان چیزی تبلک می بیند اما سطح منطقی از خوشبختی نیز وجود دارد که در دسترس کسانی است که موهبت فکری پیشتری به آنها معاشر شده است و مسلب کلی است که قادرند و قیمت بیشتری از جمله و ماهیت آن و قیمت و ایرج کنند تهابی اسواق فن می توانند با همراهیت به استدلال اپنی پروازه ای استدلال کیا همگرایی پیش فرضی استفاده

من کند که مطمئن‌آورست است و باقیشان های مطمئن
به نتایجی دست می‌بلد که معتبر است و جب‌جا علی لر
مانخار و اقتضی را توهمیم من کند فلسفه‌و فنا تهاکشی
حستند که و اخراج‌و اسلام را فتن جهان را می‌نمودند
تر نظر آن هایی مرفت بخشی از خوشبختی آن هاست
منکی خستن این حرف آن نیست که فلسفه‌ون نه تها
از نوع مفلتوی از خوشبختی از جدمول عذری بلکه
از سطح بالاتری از خوشبختی آنست من درند که به گفتم
آن هاشایست است به عنوان نتیجه نهادن های فکری و
علمی های طبیعی گسترده‌شناسی محدود نمود

۱۷

١٢

پس ایا حایل هست می و دینی ای هم و جو در
که بتوانند تیزی هم باشند؟ پامن این روش منفی است
نهایت حقیقت وجود خود و شمار مسلمانی را که به
آنها می توان حقیقت مرور را این کرد می توان آن
حقیقت را به روش پیچیده فلسفی بیان کرد و روشی که
مشتمل بر متنی و عقلای حقیقت را دینقا توپی
دهد که نهایه کار آن در صدد محدودی از اجتماع می باشد
که قدردان از پر کرد اما اگر گشته هجده می توان آن
روایاستفاده از برخان جذبی که جملات پیش فرضی را
به کل من می گیرد که نهایه این جاذبی و زیر نظر نظر

دینی یا فلسفی قابل توجه است به طور کلامی یا فقهی
تبیین گردحتی می توان آن را با اسناد اثی علیعضاً پاشاعریه بیان
کرد که هدف پسته منابع حقیقت ناصر حمدان مکن شسته چون آمن در
چنین وضعی نیاز به امکان استفاده از زبانی طرد که بر مخاطب نشتابای
موضوع مفهومی زبانه موثر استند اگرچه چندین رویکرد مختلف دارد
بدانستال یک حقیقت وجود در آنکه این امر حائز اهمیت است که
در نظر این شدیدل از این حقیقت که بنیان مان لغات برق از کود

و توصیف این روش کاریان به عنوان موادی از نظره عجیب دوگاهه
تنها از ملکی معتبر است که این مثلا در قانون جای داشته و که آنچه منظر
نظری است تنها یک حقیقت یاد می شود (با چند شکل) توصیف است در واقع
اگر قدرت دشمن گیران این طور استدلال کرده باشد که خواهار (صلواتی) که
تفصیل هم بزیر هستند ممکن است وجود هاشم پاشند، نظره آن مالیش

منقولت های این فلسفه شکل گیرد و این لر شناس می دهد که این زبان
چندرسانه از فلسفه از اباب در آمده است.
این شد گرایان بودند طبیعت ایشیز از آنست که جر این جانان بر دیدم
و شایسته است که بوری به بوسفین و قرق و موس بن کرسیون شماره
کشیده سیاری از منکر کران در جهان عقلی بوده اند طور احسان
می کردند که مجهور ند در مطلع باین شد بیر طرز تکالیف هر گز
باز تولید چشم و نهنشتمانی موجده مسلمانان تبریز گردیدند گرایی
بودند اشکارا هم از فاسد بین رشد و هم از نیز شد گرایی سمجحی
منابعی است این رشد صوراً بالین میون و ونیز انتساب بالغ اند چون
عزرا پیوند لذه می شد و منکر ای تظیر تلویزی حتی در کلاس بودند
نمایم فیلماً را به نهاده توسمه یافته وارد فلسفه ایشیز کنند تها
با اظهار رنسانس بود که علاوه به این رشد فروکش کرد و این به سبب
کلتش علاقه اندی به ارسلان بود ادعای اصلی این رشد که در جهان
بایدی شهرب داشت هر چیز دست شن در شرح از مطبوعه های است
و داشت ارسلان روز اخناد طبیعی است شاخ بزرگش هم به صعن
بسیاری داشت

یکی از نشرت بوز این رشدگرانی بهودی، روکرد آن به لایه لایه بین خانای فلسفی و دینی است «عقل المقال» تاکت کرد بهودن که فلسفه تهاوار نظر گاه دینی اذلی ایول نیست بلکه عناوی نحوی از معلمه موردنیاز محقق هوشمند است. فیلزه ایکمی هر قلاش برای ترجمه دین به فلسفه رالبرز شدگرانی بهودی، به در دلیل بسیار جدی گرفتند از اولاً، فلسفه و دین فعالیت‌های سیاسی متفاوتند و ناتوان برای تفلیل یکی به دیگری کی منصفت نداشاین عینه که خاتمی بهودت و اندی توان به فلسفه تفلیل تاد اختیل دارد به شکایت و عیای اینکی بینجامد حقی اختیل دارد به این امر مجرم شود که مردم از خود پرسند پرسن به یک دین و مختلف با اینی دیگر چه معنای دارد. در فرقون و سطل پایانی به تلاش‌های مشخص مسلمان و مسیحیان یوتو تعمیر کیش بهودیان این دیدگاه بسیار به دور از دیدگاه اکنده‌سک بود. این رشدگرانی بهودی همراهی هر برپای این فشر مقنومت گردند و این طور استدلال نمودند که دلایل فلسفی خود برای مسیحی نشن و وجود دارد زیرا اصول مسیحیت به دلیل ملیعت خود متناقضان کلستی‌هایی دارد.

این شرکت کاریان پهودی بین مفاهیم ممکن ایام تا تحمل و مفاهیم که خداوند به شکلی محبوبیت خواهد داشت و قوی میرساند، ولی همانی که حتی خداهم نمی تواند این هارا عملی کننده تابیز تقابل شستند زیرا آن ها فی نفیه ناسخ کردند و تباختایی ناکامل (که این را در نظر نیمی به) نلاش خواهد کرد از هزار جلوه گز نمایند مقوله ای کلی از مفاهیم کلامی، مهم نظری خانگی مشخص اشیا را تجدید ثبتیت تبدیل جوهري و زلین زن بازگرد مرسمیت وجود داشتند که به عنوان لور نشستمن مردم تقدیم فراز گرفتند و به عموان خلقی کمال غیرقابل تصور و کارگزه اصول پیوسته را مگهاره می داشته باشد (که این نیز موضوع قابل بحث است) به توان از هرچند فلسفه نسبت کرد امامیت توان علما نیز بوضاحت را به اثبات رساند با این که فلسفه نمی تواند نشان دهد که یک دین به دلیل اینکه بیشتر به عقل پرداز دینی دیگر است امامیت تواند نشان دهد که برخی از ادیان روزی هم رفره فقاد بینایی عقلانی اند، و بنابراین نباید این ها را رأی ایجاد نموده منظر گرفت

می توان تصریح کرد که این بینیں فاقد صفاتی لازم استند زیرا
به نظر من و سایر این واقعیت را نمایندگی گرفته است که هنرمندان شده
همشده از طبقه تمایز بین ضرورت عقلي و طبعی گالیک به واقع خطا
است به سیاری از روایت حوالات معجزه اسا را بهدیل تحملی از
جهول عقل، بنابراین نظر خود این شد کار گذاشت و پیش از این که آن ها
و المکان های مقلع چنانچه لازم است به طور جدی جرج و تقدیل شوند
استفاده از ای این میمون های میمون های جامائید به نظر من و سایرین من توان
استدلل کرد که از اهلن پیچیده فلسفی نایاب هفستان های مریوط
به معجزات راهه مدنیان ظاهری شون مرست ییگانند ان هماری توان
حلستان هایی خواری پایانی در کرد که خود کمالاً عاقلي است هر چند
روشنی که با آن به عموم سردم از این شود احتمالاً از عقل تحملی کند
اگر مهد نیست جون آن هادم نخواهد بات که اسلام این جامائکل

بین رشدگرایان بیرونی می توانستند با اشتغالهای آرای ایرانیان
عزالتین طور استدلال کنند که ما هم از نظر زمانی و هم از خلث مکانی
از جوادت مجزعه ایانی که دیقائصی نیمی چه چیزرا افزایش است بارتب
دهند و پس از پیاره در روم مادیقایی تندی یافته زبانی که آن جوادت را توصیف
می کند چه مسانی طرف همچنین از توجه جوان نیروهای خدموی ای
که آن تعبیرات را در عالم گون و فضاد سبب می شوند تا آنها را رویکرد
لبرن شدجه این مسئله در پی وجود امنی فلکه پیوودی پخته نمیرخش
پیووده است فلسفه ایانی که پس از ویدار اسلام ایش بود لامه ران
ذنات است که مر خود گلبه نداند

من شنوده همان طور که آموزهای دینی
چندی مادری شان را به عنوان نوعی از
عمل خلاصت‌گر تبلیغی نظریه
و عمل غلبی اخلاقی‌گر تبلیغی شدی
لست که از رویکرد همسایگی ای پیروری
من گند که وی جستجویی کرده تا
به شرح و سطح دو چیزی هایی نظر
نفس و بدن، دین و لسانه و عقل فعال
و افراد متکبر پرور بازدست تروافت تفاسی از
آموزهای است که درست‌گرد و به عنوان
چیزی مادری، ولجد آن اعلی‌گر
که من تولید نوع از شنیدنی از زندگی
را پیدا و از آن آموزه‌ها و اخلاص تقدیم
روی یک سکنه، همان طور که پیشتر
پوئند فهم تجود عالمکرد تروافت بعضی
افراد تحلیل به مثابه کل آشکار اقتضی برای
فردی که به الوهیت چشمگیری دارد
شده ممکن است و در این حاضر
هموسی کی تاریخی چاچکوئن حضرت
محمد^{صلی الله علیہ وسلم} شنود اپنارو را
پایان چون فردی وجود نداشت بلکه
ناریون، صیخون این شد و تکریسی گند پایان
وجود داشته بیانش تبراه مردمی آن مایه
اصل کمال منسوب می‌شوند مطلق این
اصل اگر چیزی ممکن است پس پایان



مورد پذیرش مومنی فرهنگتنه قرآن‌گردانی بر او در خواجه کرد که
کنکان در جزئیات معنای تفسیر لغظی فرق چندانی باقیم و موضوع
من خواهد مذاشت جایی که تفسیر لغظی با تفسیر قاسمی متفاوت
پنندگان نویسم اطلاعاتی که اگر کنم تو انتیم به زمان و مکان و قوی
جاده‌هه در کتاب مقدس بازگردیدم آن گاه نجده سازگاری این دو تفسیر
دانم کنم که درست

دیگر متفکر پهلوی که هستلز فنرمن بروانش شد پوشه موسی
نارونی است که در پرینسل و حوالی ۱۲۰۰ متود شد و قریب شست و
دو سال زیست از میان آنها منددی که توشت چند شرح مهم را (آنل)
از نظر وجود دارد لایکی از محدود فلسفی و فلسفی بود که از این شد
را از تقابل با ارزی این میمون فرداز نداند به این دلیل که معتقد بود
این رشد فنری بسیار انتقادی نسبت به مبدع ادبیه و اقلام ادبی از نوع
این میمونی داشته است بدین معنی که این رشد فنری از نظر این رشد
بسیار جذب توجه نمیست مغل نقشی افسوس در فنرک این رشد بین این
کوکه همان طور که در نظام دوره فالسنه قرون وسطی از چنین نقشی
هر رخود را بود و اسلام فنر عالمی محسوب می شد و قدری تفکر مایه
طرب فرایند هستگاهی منکل می شود به ترتیب محترفی گردید و با عامل فعال
یا عامل متحده می شود مایه ای که از گیری خجالان که به تاجه را با اتصاب ری
ماید قوه حسین بوگیر است از تفکر گیر می کنند تاجه ای که استاده
فرایند هستگاهی معمول ممکن شود و بدلارین بیش از پیش از پیش
ماید وجود متن متفکر می شویم هرچه تفکر مان کافل تر می شود از
ماید میش کاسته می شود و هرچه توانیم مایه ای تفکر عقلی بیشتر بر
تفکر من به مایه یک کل سلطه پیده بعنوان موجودات متفکر پیروزی

پنهانی خواهیم بود
این الکوئی لکری خر توصیف، ناربونی خوش و معجزات سهم موثری
در لرد پلیسیر به واسطه کمال اندیشان قدر است بهینه آینده به چه
می باشد مطالعین تئاتر اخراج سوری ای از مرافت نیست بلطف مقام پلیسیر
این نویلایی را درکرد که بدینکه هایش در لرلر آینده را بطوری عرضه کند
که همراه دادجلمه راهی عمل و ادارل دینی اندیشه عقلی اولتری ملذی خارد
و اولن اثر قوت توست بر قرجه مفترش بیزبانی که جامده اولایی عمل
پنهاند گلیخته این اثر خلادی ۱۰۳۴ می شود چون هنقاپا بازیه
اعطا فی و طبعی حیات شیری مرتب است پیله بر شاید زیر از داشته باشد
به مثل ها و دلائل های متول شود که طبیعتش خر جامده بیرون و
به عن ها کمک کند بای خیال خود آن چه را لو باعثی می فرمد درین دند
خیال در زبان وجود شناختی فرزون وسطی ضرور تاقومی ملذی است
به عن معاذا که سازو کلکه هایش را باید هم و تجزیه های گرفته از تجلیل
مازو چنان بیرون ای اعمال من کنکن اتفاق پیداست که ناربونی در اینجا
از ترسی نان نوان از اطاعونی مستفاده کند چون پر حس سلسله مرائب
وجودی سخن می گوید که همان هر عقل را موجودی در از ای ای ای ای
نحوی که این موجود نمود آن عقل است عقلاید پلیسیر بوجود دیده
ملذی خوش چنان می خشد تابیر از تکاری زبان پلیسیر در اینها بخشی
پنهانی خواهیم بود